زیرساخت‌های صادرات آماده نیست

در میزگرد تخصصی بررسی مشکلات کارخانه های دام و طیور گلستان مطرح شد که زیرساخت های صادرات محصولات این صنعت توسعه یابد و از تولیدکنندگان هم حمایت شود. به گزارش مهر، شامگاه چهارشنبه، میزگرد تخصصی بررسی مشکلات کارخانجات دام و طیور در محل نمایشگاه بین‌المللی گلستان برگزار شد.در این جلسه، تولیدکنندگان دام و طیور و صاحب‌نظران این عرصه به بیان مشکلات این بخش پرداختند.در ابتدا رضا مبصری، یکی از صاحب‌نظران در زمینه صنعت طیور، اظهار کرد: امروز فرصت خوبی در اختیار ما است زیرا قیمت ارز به نفع صادرات تغییر یافته و با قیمت تمام شده کمتر می‌توان کل بازارهای منطقه را پوشش داد.وی افزود: در سال گذشته قیمت‌های ارائه شده تا نرخ دو دلار و پنج سنت هم می‌رسید و بازارهای صادرات مخصوص کشورهای اوکراین و ترکیه بود بنابراین در آن زمان به دنبال مشوق‌های صادراتی بودیم تا بتوانیم در شرایط برابر با آن‌ها رقابت کنیم اما هم اکنون فرصت خوبی برای ما ایجاد شده و قیمت صادرات به یک دلار و یک سنت رسیده، لذا از بسیاری از شرکت‌های کشورهای دیگر قیمت محصول ما پایین‌تر است. مبصری گفت: مشکل ما در زیرساخت‌های صادراتی است متأسفانه فرصت صادرات در کشور ما فراهم نیست. به عنوان مثال یکی از بازارهای ما کشور عراق است اما به دلیل مشکلی که در سال گذشته برای بیماری آنفلوانزای مرغی در کشور افتاد این بازار را از دست دادیم.

۱۵۰۰ واحد مرغداری در گلستان

وی ادامه داد: در حالی که این مشکل حدود دو ماه پیش برطرف شده اما هنوز اعلام پاکی ما به کشور عراق ارسال نشده است.مبصری با بیان این‌که مشکل ما از درخواست مشوق به مجوز صادراتی نزول کرده، افزود: در دنیا چیزی به عنوان نظارت بر قیمت‌ها وجود ندارد و آنچه مهم است رقابت‌پذیری است.وی با بیان این که در استان ما هزار و ۵۰۰ واحد مرغداری و ۴۲ واحد خوراک دام و طیور وجود دارد، تأکید کرد: اگر قرار است راه‌حلی پیدا کنیم باید سیاست‌گذاری‌هایمان درست شود و اگر دولت خطایی کرد باید آن را جبران کند.مبصری افزود: در کل دنیا بخش‌هایی برای حمایت از تولیدکنندگان وجود دارد این‌ها ابزارهای دست سیاست‌گذاران هستند و بخش خصوصی هم باید از این برنامه‌ها اطلاع داشته باشد.وی اظهار کرد: سرانه مصرف مرغ در برنامه پنجم توسعه از ۱۸ کیلوگرم به ۲۸ کیلوگرم رسیده است در حالی که بخش خصوصی از این امر آگاه نیست.

تهیه مواد اولیه بزرگ‌ترین مشکل تولیدکننده

یکی دیگر از تولیدکنندگان در ادامه گفت: زمانی آرزوی ما این بود که محصولات خود را رقابتی عرضه کنیم اکنون آن محقق شده است اما دیپلماتیک ما خراب است.ارازجان شمالی افزود: یکی از بزرگ‌ترین مشکلات ما تهیه مواد اولیه است، نهاده به موقع در خدمت تولیدکننده قرار نمی گیرد یا با قیمت گزاف به فروش می‌رسد هر اندازه قیمت تمام شده پایین‌تر بیاید زمینه فعالیت ما در بازارهای جهانی بیشتر می‌شود.شمالی ادامه داد: با افزوده شدن قیمت مرغ همه دستگاه‌ها و بخش‌ها اعتراض می‌کند اما وقتی محصولات اولیه ما بالا می‌رود به چه کسی باید پاسخگو باشد؟وی بیان کرد: مابه‌التفاوت ارز را مقرر شد دولت به تولیدکنندگان پرداخت کند، این امر صورت گرفت ولی قیمت افزایش پیدا کرد، چرا؟ هدف دولت تثبیت قیمت بود و یارانه هم به آن تعلق گرفت اما به دست تولیدکننده نرسید.

افزایش قیمت نهاده

شمالی تصریح کرد: سویا ۷۵ درصد و ذرت ۵۰ درصد افزایش قیمت داشت، چه کسی باید جواب دهد؟ همه ما باید در اقتصاد مقاومتی که اکنون با یک جنگ اقتصادی روبرو هستیم با هم متحد باشیم.وی گفت: تولیدکنندگان به عنوان پیشرو این جنگ هستند و بنابراین نباید هزینه تولید را بالا ببریم.

ارز ۳۵۰۰ تومانی را چه کسانی گرفتند

شمالی تصریح کرد: دولت پول یارانه را پرداخت کرد اما قیمت تثبیت نشد، پول از جیب مردم کم‌درآمد هزینه شد اما دوباره با افزایش قیمت دوباره همین مردم آسیب دیدند.وی بیان کرد: کارگر جزو اقشار ضعیف جامعه است و وقتی که پرسنل من و کارگر دغدغه داشته باشد، نمی‌توان کیفیت محصولات افزایش یابد. شمالی با بیان این‌که عدم عمل به وظایف جرم است و ترک فعل جزا دارد، افزود: هنگامی که کسانی ارز سه هزار و ۵۰۰ تومانی دریافت کردند اما قیمت نهاده ۷۰ درصد گران شد آیا این مستلزم تنبیه نیست؟ از کجا باید این را پیگیری کرد؟ باید لیست کسانی که این ارز را دریافت کرده اما نهاده را گران کردند، ارائه شود.یکی دیگر از تولیدکنندگان این عرصه گفت: در سال زراعی گذشته کل سویای کشور را اداره غله خریداری کرد و شرکت خاوردشت در استان ما به عنوان تصفیه‌کننده سویا بود.احمدی افزود: کنجاله سویا به قیمت هزار و ۵۶۰ تومان به فروش رسید در حالی که کیفیت آن نسبت به محصول خارجی پایین‌تر بود. در اواخر سال قیمت سویا به هزار و ۹۶۰ تومان رسید اما از اوایل فروردین ماه قیمت آن دو هزار و ۵۰۰ تومان اعلام شد.این صاحب‌نظر در زمینه دام و طیور گفت: صحبت‌های ترامپ در آن زمان دستاویزی برای گران شدن قیمت سویا شد بنابراین مشکل ما نظارت داخلی است.وی بیان کرد: چطور باید همکاری با یکدیگر صورت بگیرد وقتی دولت به حرف‌های خود عمل نکرده است.احمدی همچنین گفت: در روزهای گذشته لیست پرداخت تسهیلات رونق تولید در استان گلستان اعلام شد اما لیست ناقص بود بنده یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان وام گرفتم در حالی که سه میلیارد تومان برای من اعلام شد و این اشکال دارد.این تولیدکننده تصریح کرد: سود تسهیلات بانکی و هزینه‌های قبل از آن رفع موانع تولید نیست بلکه مانع تراشی در برابر تولید است.وی همچنین به مشکل بیمه تولیدکنندگان اشاره کرد و گفت: پروانه ساخت کارخانجات ما از جهاد صادر می‌شود در حالی که بیمه کارگران ما آزاد حساب می‌شود در بخش کشاورزی نباید این‌طور باشد.

کشور توانایی تأمین دی کلسیم فسفات را دارد

مهرداد پرویز، تولیدکننده مکمل دی کلسیم فسفات اظهار کرد: ما نیاز به دشمن خارجی نداریم در حالی که خودمان تیشه به ریشه هم می‌زنیم. وی افزود: پتروشیمی که تنها تولیدکننده خوراک دام و طیور در کشور است، مدیرعاملش می‌گوید نمی‌تواند دلار نرخ دولتی تهیه کند پس این دلار با قیمت چهار هزار و ۲۰۰ تومان مخصوص چه کسی است؟ با توجه به مشکلات ارزی پیش‌آمده چه کسی باید پاسخگوی مشکلات تولیدکنندگان باشد؟پرویز ادامه داد: بنده با ۲۰ سال سابقه، تمام دوائر دولتی و بخش‌های دیگری که موازی کاری می‌کنند را مانع تراش برای تولیدکنندگان می‌دانم.وی تأکید کرد: چرا باید برخی از حضرات به دنبال واردات محصولات دام و طیور از چین و ماچین باشند؟ ۵۰ تولیدکننده دی کلسیم فسفات در کشور وجود داشت اما اکنون به زیر ۱۰ واحد رسیده است. آیا می‌دانید چند واحد بیکار شدند؟ چرا باید مجوز واردات بدهیم در حالی که کشور ما توانایی پوشش کشورهای آسیای میانه را دارد؟

صنعت دام و طیور بزرگ‌ترین صنعت غیرنفتی در کشور

پرویز بیان کرد: زمانی کمبود کاذب در کشور ایجاد می‌شود اما این به دلیل کمبود ارز است، چرا باید محصولات دام و طیور را از سوئد وارد کنیم؟ آیا می‌دانید هزینه جابجایی آن تا ایران چقدر می‌شود؟ مگر این توانایی و توانمندی در کشور ما وجود ندارد که گوشت سفید کشورهای همسایه را تأمین کند؟وی اظهار کرد: چرا باید این صنعت همیشه بیمار و در حال احتضار باشد در حالی که بزرگ‌ترین صنعت غیرنفتی در کشور مربوط به صنعت دام و طیور است. پنج و نیم میلیون در کشور نفر مشغول این حرفه بوده اما همیشه چالش‌های عدیده‌ای در این زمینه وجود دارد.پرویز گفت: سالیانه صدها شرکت وابسته به دام و طیور ورشکسته می‌شوند. چند شرکت کارخانه دام و طیور داریم؟ چند تای آن فعال هستند؟ همه آن‌ها درگیر روزمرگی شده‌اند و یا مشکل نقدینگی یا کمبود نهاده و مسائلی از این دست دارند.

نظارتی بر تأمین نهاده نیست

آقای حسینی تولیدکننده واحد مرغ تخم‌گذار هم در این جلسه اظهار کرد: یکی از مشکلات عمده تولیدکنندگان تأمین نهاده است و هیچ‌گونه نظارتی بر تأمین آن وجود ندارد.وی افزود: زمانی که برای گرفتن نهاده مراجعه می‌کنیم متأسفانه به دست مصرف کننده نمی‌رسد و بیشترین قسمت آن در اختیار کارخانجات خوراک دام و طیور قرار می‌گیرد در حالی که آن‌ها سهمیه جدایی دارند.حسینی اضافه کرد: ما نیاز مبرم به ذرت و سویا داریم چرا نظارتی بر این کار نیست؟ چرا کیفیت سویا پایین آمده و پروتئین آن پایین است؟ و ما نمی‌توانیم با مصرف آن به تولیدی که می‌خواهیم برسیم.وی گفت: چرا نظارتی بر این کار نیست و همه مشکلات را باید تولیدکننده به دوش بکشد.

۱۰ درصد مرغ ایران را گلستان تأمین می کند

آقای هلاکویی یکی دیگر از تولیدکنندگان مرغ گفت: ۱۰ درصد مرغ ایران را گلستان تولید می‌کند و مشکلات ما با توجه به این‌که ۸۰ درصد تولید از استان خارج می‌شود نسبت به استان‌های دیگر زیاد است.وی افزود: یکی از راه‌ها در بخش توسعه صادرات این است که زیرساخت‌ها را درست کنیم و به لحاظ حمل‌ونقل هم مشکلی نداشته باشیم.هلاکویی تصریح کرد: روابط بین‌الملل ما همیشه دچار چالش است و این‌ها بر روی تولید تأثیر می‌گذارد، دانش فنی ما خوب بوده اما در بحث روابط بین‌الملل که سازوکارهای خاص خود را دارد باید تشکلی پیش‌بینی شود تا توسعه صادرات داشته باشیم.وی اضافه کرد: در استان ۱۵ واحد، در قالب زنجیره‌های تولید کار می‌کنند و این تعداد هم یک نوع تهدید محسوب می‌شود زیرا قدرت چانه‌زنی را کاهش می‌دهد.

زیرساخت های صادراتی ایران خوب رشد نکرده است

در ادامه رحمت الله سمیعی، معاون امور دام و طیور جهاد کشاورزی گلستان گفت: از همه دغدغه‌ها آگاه هستیم و آن بخشی از کار ماست.وی افزود: ما فقط می‌توانیم در حد بضاعت استان صحبت کنیم و سیاست‌های اصلی در مرکز صورت می‌گیرد.سمیعی تصریح کرد: ظرف دوره ۱۰ ساله از یک واردکننده صرف به صادرات رسیدیم و صادرات و زیرساخت‌های آن همگون با هم رشد نکرد. وی با بیان این‌که فرهنگ مصرف هم همزمان با تولید جلو نرفت، گفت: در حوزه‌های صادراتی زیرساخت‌های درستی نداریم. صادرات ما تاکنون به شکل پیله‌وری بوده و منسجم نبوده است.سمیعی اضافه کرد: بر همین اساس هم نمی‌توان برنامه‌ریزی خوبی برای آن متصور شد. در دوره‌ای ما ۲۰ هزار تن مرغ صادر کردیم اما اکنون به دلیل نوسانات این اتفاق نیفتاده است.

فکری در حوزه مصرف اندیشیده شود

وی افزود: ظرفیت گوشت و مرغ ما خوب رشد کرده اما در فراوری خوب جلو نرفته‌ایم.سمیعی گفت: هزینه خانواده‌ها بیش‌تر به طرف غلات بوده و کمتر به سمت مصرف پروتئین جلو می‌روند بنابراین حتماً باید در حوزه مصرف فکری اندیشیده شود.وی بیان کرد: با این سرعت رشد در حالی که چارچوب‌های ما دچار چالش شده در آینده توسعه گوشت مرغ غیراقتصادی می‌شود.سمیعی اظهار کرد: سه ماهه اول سال بهترین زمان برای صادرات گوشت مرغ بود اما کامیون داران اعتصاب کردند و ماشینی برای صادرات نبود.وی گفت: ۸۰ درصد صنایع دام و طیور ما به واردات وابسته است و در ۲۰ درصد باقیمانده دارای سوء مدیریت داخلی هستیم.سمیعی افزود: کمبود نهاده و غلات در دو ماه گذشته داشتیم و مشکلات حمل و نقل هم به آن اضافه شده است و از چند جهت این صنعت دچار مشکل است.

دولت دنبال ذخیره سازی کالاهای اساسی است

رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان با بیان این که دولت دنبال ذخیره سازی کالاهای اساسی است، گفت: موجودی انبار کالاهای اساسی کشور نسبت به تیر ماه سال گذشته بیشتر است. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان، حسینقلی قوانلو اظهار کرد: تحریم هایی که قرار است بخشی از آنها از ۱۵ مرداد و بخش دیگری هم از ۱۵ مهر اتفاق بیفتد یک حرکت کاملا سیاسی است ولی متاسفانه تاثیر خود را بر اقتصاد و بازار ما گذاشته است. وی گفت: برای اولین بار حجم نقدینگی کشور از میزان ارزش تولید ناخالص ملی بالاتر رفته و این یک خطر بزرگ است زیرا اگر این نقدینگی از کنترل دولت خارج شود می تواند یک فاجعه به بار بیاورد. به گفته قوانلو، ما باید نقدینگی کشور را به سمت تولید و بورس سوق دهیم و دولت برای این موضوع برنامه ریزی های لازم را کرده است.قوانلو افزود: اتفاقی که در پی افزایش نقدینگی کشور افتاده این است که امروز تاثیر آن را در بازار شاهد هستیم و متاسفانه برخی از بازاریان هم از وضعیت موجود سوء استفاده کرده اند و به دنبال شناسایی و برخورد با این افراد هستیم. رئیس سازمان صنعت، معدن و تجارت گلستان ادامه داد: دولت تلاش می کند تا ذخایر کالاهای اساسی خود را افزایش دهد تا حداقل ذخیره برای یک سال مردم را داشته باشد تا در صورت بروز هر نوع اقدامی از سوی دولت امریکا، مردم در زمینه تامین این اقلام دچار مشکل نشوند.قوانلو گفت: دولت با گروه بندی کالایی در بخش تامین ارز مقابله با مشکلات ارزی را آغاز کرده است و بخش زیادی از هزار و ۴۰۰ قلم کالایی که امروز واردات آنها ممنوع شده، به راحتی در داخل کشور قابلیت تولید دارد. وی با بیان این که موجودی انبار کالاهای اساسی امروز کشور نسبت به تیر ماه سال گذشته بیشتر است و نگرانی ای از این بابت وجود ندارد، ادامه داد: موجودی کالاهای مورد نظر مرتب مورد بازدید و نظارت قرار خواهند گرفت و ما با موجودی های غیرمتعارف برخورد خواهیم کرد. قوانلو تاکید کرد: همه کسانی که برای تولید کالایی بیش از ۵۰ درصد مواد اولیه خود را با ارز گروه اول وارد کشور کرده اند موظف به تولید، فرآوری و عرضه در بازار داخلی بوده و در صورتی که بخواهند محصول تولیدی خود را صادر کنند، نسبت به محاسبه عوارض صادراتی و مابه التفاوت ارز گروه اولی که دریافت کرده اند، اقدام خواهند شد، در غیر این صورت اقدامات قانونی با متخلفان انجام خواهد شد.

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجرائیه کلاسه: ۹۶۰۰۷۶۳

بدینوسیله به خانم سمیرا شهرآبادی نام پدر: تقی بشناسنامه: ۰۰۱۱۵۹۷۵۳۴ بنشانی گرگان ـ بهارستان ـ بهارستان ۷ ابلاغ می گردد بانک سپه شعبه میدان وحدت به استناد قرارداد شماره ۲۶۹۵۵۰۴۲۴ با موضوع لازم الاجرا به مبلغ ۵۹/۴۲۹/۴۲۹ ریال بانضمام خسارت قانونی بر علیه شما و احمد بایندری مبادرت به صدور اجرائیه نموده که با کلاسه پرونده ۹۶۰۰۷۶۳ تشکیل و برابر گزارش مامور اجرا در آدرس تعیین شده مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار هم نتوانسته شما را معرفی نماید لذا به تقاضای بستانکار و برابر ماده ۱۸ ـ آیین نامه اجرا مفاد اسناد رسمی اجرائیه در یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار مجاز محل یا نزدیکترین به محل چاپ و درج و منتشر می گردد چنانچه پس از ۱۰ روز از تاریخ انتشار که ابلاغ اجرائیه محسوب می گردد نسبت به پرداخت بدهی اقدامی ننمائید عملیات اجرایی بر علیه شما تعقیب و بجز این آگهی و آگهی مزایده در صورت بازداشت اموال آگهی دیگری صادر و منتشر نخواهد شد. ضمنا اجراییه صادره به آقای احمد بایندری در تاریخ ۱۳۹۶/۹/۹ به نامبرده ابلاغ گردیده است.

حسین اسمعیلی ـ معاون ثبت گرگان ـ ۱۶۸۵ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم فاطمه اسدی نسرکانی فرزند رمضان به شناسنامه ۳۲ به شماره ملی ۲۱۲۲۰۵۷۶۳۷ صادره گرگان با ارائه ۲ برگ گواهی شهادت و شهود که در دفتر اسناد رسمی ۸۲ گرگان صدیق و امضاء اعلام نموده که سند مالکیت تکبرگی شماره الف/۸۹/۱۳۰۲۳۳ ششدانگ یکدستگاه آپارتمان بمساحت ۸۲،۴۲ مترمربع به پلاک ۱۰۳۴۵ فرعی از ۳ مکرر اصلی ـ اصلی بخش ۳ ثبت گرگان که ذیل ثبت ۵۳۸۶۸ صفحه ۲۸۶ دفتر جلد ۳۸۱ بنام نامبرده صادر گردید سپس ششدانگ پلاک فوق و بموجب سند رهنی شماره ۱۲۱۲ مورخه ۱۳۸۹/۸/۱۳ دفتر ۸۲ گرگان در رهن بانک مسکن شعبه رسالت گرگان می باشد حسب اظهار نامبرده فوق الذکر که سند مالکیت اولیه آن بعلت جابجایی مفقود شده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت پلاک مذکور را نموده است در اجرای ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت (اصلاحی ۸۰/۱۱/۸) و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می شود تا چنانچه شخص یا اشخاصی مدعی انجام معامله نسبت به ملک مرقوم یا وجود سند مالکیت نزد خود باشند ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار این آگهی اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم و رسید دریافت نمایند بدیهی است در صورت انقضاء مهلت مقرر و عدم وصول اعتراض و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت یا سند معامله ارائه نگردد طبق مقررات المثنی سند صادر و تسلیم خواهد شد.

علی برقی ـ رییس ثبت اسناد و املاک شهرستان گرگان ـ ۱۶۶۶ م الف

آگهی مزایده اموال منقول پرونده اجرایی کلاسه ۱۳۹۵۰۴۰۱۲۴۱۶۰۰۰۲۰۱/۲

یک دستگاه سواری پژو پارس سفید روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره انتظامی ایران ۶۹ ـ ۲۲۷ ـ و ۱۵۵ متعلق به آقای هوشنگ خرمالی فرزند امامقلی مدیون پرونده اجرائی به شماره بایگانی ۹۶۰۰۰۶۸ که برابر گزارش کارشناس رسمی دادگستری به شماره چهارده(۱۴) مورخ هشتم بهمن ماه یکهزار و سیصد و نود و شش شمسی(۱۳۹۶/۱۱/۸) دارای مشخصات و توضیحات به شرح ذیل می باشد: نوع و سیستم سواری پژو پارس مدل ۱۳۹۴، نوع پلاک شخصی، نوع سوخت بنزینی، رنگ سفید روغنی، تعداد سیلندر: چهار سیلندر، تعداد محور: دومحور، تعداد چرخها: چهار چرخ، پلاک مشخصات دارد، پلاک بدنه دارد، وضعیت اتاق و بدنه، موتور، گیربکس، شیشه ها، سپرها، دیفرانسیل، صندلی جلو و داشبورد، داخلی اطاق، چراغها، آینه و سیستم برقی همگی سالم و آماده به کار، وضعیت لاستیک ها هفتاد (۷۰) درصد عاج، در حال حاضر فاقد بیمه نامه معتبر می باشد. قابلیت شماره گذاری نیز دارد. با توجه به مدل ساخت و وضعیت فعلی خودرو که در بالا اشاره گردید به مبلغ سیصد میلیون(۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال ارزیابی و مطابق ماده ۱۰۱ ـ آیین نامه اجرا قطعیت یافته، و خودرو فوق در قبال طلب بانک آینده شعبه گنبد کاووس برابر قرارداد بانکی به شماره ۶۶۰۰۰۲۷۴۶۲۰۰۵ مورخ ۱۳۹۶/۶/۲۵ به انضمام نیم عشر اجرایی بازداشت گردیده است. لذا مزایده راس ساعت ۹ صبح الی ۱۲ ظهر روز دوشنبه مورخ بیست و نهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و نودوهفت شمسی(۱۳۹۷/۵/۲۹) در محل شعبه اجرای ثبت اسناد و املاک آزادشهر واقع در شهرک شهید کلاهدوز نبش پاسدار ۵ برگزار می گردد. مزایده از مبلغ ارزیابی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود و کلیه هزینه های قانونی (تا روز مزایده اعم از اینکه رقم آن معلوم شده یا نشده باشد) به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد. متقاضیان پنج روز قبل از مزایده با هماهنگی بستانکار و شعبه اجرای ثبت آزادشهر می توانند از مورد مزایده بازدید نمایند. شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و فروش کلا نقدی است چنانچه روز تعیین شده با تعطیل رسمی مصاف گردد مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان تشکیل خواهد شد.

بهزاد دلدار ـ کفیل اداره ثبت اسناد و املاک آزادشهر ـ ۱۶۷۴ م الف

آگهی فقدان سند مالکیت

آقای سلمان قره خانی شیره جینی به شماره ملی ۵۳۱۹۶۷۶۳۸۷ فرزند محرمعلی به شماره شناسنامه ۳۵ با ارائه دو برگ شهادت شهود مصدق، مدعی شده که سند مالکیت مقدار دو هزار و هفتاد سهم مشاع از چهار هزار و چهارصد و هفتاد و هفت سهم عرصه و اعیان شش دانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۴۴۷/۷ مترمربع به شماره ورقه مالکیت ۷۵۰۳۰۵ ج ۹۴ پلاک ۱/۵۳۱۸ ـ اصلی بخش ۱۰ حوزه ثبتی گنبد ذیل شماره دفتر الکترونیکی ۱۳۹۵۲۰۳۱۲۰۰۴۰۰۷۲۲۰ بنام آقای سلمان قره خانی شیره جینی فرزند محرمعلی ثبت و صادر گردیده است، بعلت جابجائی مفقود گردیده است، تقاضای صدور المثنی سند مالکیت را از این اداره نموده لذا برابر تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار آگهی می گردد و هر کس مدعی وجود سند مالکیت یا سند معامله نزد خود باشد ظرف ۱۰(ده) روز مدارک اعتراض را ضمن ارائه مستندات به این اداره ارائه نماید در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور برابر مقررات اقدام خواهد شد.

سارانی ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک گنبد ـ ۸۲۸۹ م الف

www.golshanemehr.ir
نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن مهر

خبر

مخالفت فرمانداری گرگان با افزایش بیش از حد کرایه تاکسی

فرمانداری گرگان طی نامه ای به شورای اسلامی شهر، مخالفت خود را با افزایش سی درصدی کرایه تاکسی و تاکسی های تلفنی اعلام کرد و از آنان خواست که حداکثر حدود ۱۵ درصد و براساس میزان تورم رسمی نرخ ها بالا رود. به گزارش ایرنا محور اصلی مباحث مطرح شده در هشتاد و یکمین نشست رسمی و علنی شورای شهر گرگان به ریاست فائزه عبداللهی پیرامون نامه کمیته انطباق فرمانداری گرگان در خصوص مخالفت با مصوبه افزایش کرایه های پیشنهادی از سوی شورا بود. کلیت اعضای شورا به نامه اداری صادره اعتراض داشتند آنان معتقد بودند که کمیته انطباق فرمانداری می بایست در این زمینه شفاف سازی کند زیرا شکل نامه تنظیمی و ارائه شده سنخیت قانونی لازم را ندارد. همچنین برخی از اعضا خواستار اصرار بر لایحه مصوب شورا (افزایش کرایه سی درصدی) داشتند و گروهی نیز بر این عقیده بودند که با اصلاح لایحه و اعمال کاهش در بعضی مسیرها از طولانی شدن روند تایید و اجرای این لایحه جلوگیری‌شود.

۸۰ درصد گلستانی ها برای کارت هوشمند ملی اقدام کردند

سرپرست اداره کل ثبت احوال گلستان گفت: تاکنون ۸۰ درصد از جمعیت یک میلیون و ۳۷۶ هزار نفری واجد شرایط ، برای دریافت کارت هوشمند ملی در استان اقدام کرده اند. ابوبکر دونلو در گفتگو با ایرنا اظهار داشت: یک میلیون و ۴۰ هزار واجد شرایط با حضور در دفترهای پیشخوان و ادارات پست در استان برای دریافت کارت هوشمند ملی ثبت نام و بیشتر آنان کارت خود را نیز دریافت کرده اند. به گفته وی، حدود پنج درصد با وجود اطلاع رسانی هنوز برای دریافت کارت مراجعه نکرده اند که درخواست می شود سریعتر در این زمینه اقدام کنند.دونلو همچنین از استمرار ثبت نام برای دریافت کارت هوشمند ملی تا پایان سال جاری خبر داد و گفت: افراد واجد شرایط می توانند برای نوبت گیری در سامانه ثبت احوال اقدام کرده و سپس به ۳۵ مرکز در دفترهای پیشخوان و ادارات پست شهرستان های استان به این منظور مراجعه کنند.مرحله پیش پایلوت صدور کارت هوشمند ملی در بهمن سال ۸۸ در استان قم و با ثبت نام از ۵۳ نفر از اعضای خانواده معظم شهدا، جانبازان و آزادگان آغاز شد و اکنون در تمامی استان ها صدور آن برای افراد واجد شرایط در دست اجرا است. افراد بالای ۱۸ سال با ثبت درخواست در سامانه ثبت احوال می توانند نسبت به دریافت کارت هوشمند ملی اقدام کنند.

سرمایه گذار خارجی زباله های گنبد را بازیافت می کند

فرماندار ویژه گنبدکاووس گفت: با رایزنی های انجام شده، طرح بازیافت زباله و تفکیک آن در مقصد با مشارکت سرمایه گذار اوکراینی در گنبد اجرا می شود. به گزارش فرمانداری گنبدکاووس، عبدالقدیر کریمی در نشست حمایت از سرمایه گذاران بدون اشاره به زمان آغاز این طرح افزود: این طرح به بهترین شکل و با رعایت استانداردهای زیست محیطی در مسیر جاده موسوم به نفت این شهرستان اجرا می شود.وی درخصوص جاده نفت نیز اظهارداشت: با پیگیری های انجام شده و دستور استاندار گلستان، امسال ۶ کیلومتر از این جاده زیرسازی و آسفالت خواهد شد. کریمی از آمادگی فرمانداری برای حمایت کامل از طرح های سرمایه گذاری در گنبدکاووس با هدف توسعه شاخص های اقتصادی و ایجاد اشتغال پایدار برای مردم و جوانان این شهرستان نیز خبر داد. به گزارش ایرنا، نماینده مردم گنبدکاووس در مجلس شورای اسلامی نیز در این نشست با اشاره به سرمایه گذاری ۹ هزار و ۲۵۰ میلیارد ریالی بخش خصوصی طی یکسال گذشته در شهرستان گفت: از مجموع ۴۳ کیلومتر طول جاده نفت، ۲۰ کیلومتر آن توسط وزارت نفت و بقیه از سوی وزارت راه و شهرسازی زیرسازی و آسفالت می شود. قرجه طیار همچنین ابراز امیدواری کرده که لایحه منطقه آزاد تجاری – صنعتی اینچه برون گنبدکاووس تا هفته آینده به صحن علنی مجلس شورای اسلامی آمده و تصویب شود.

خبر

تجهیزات مناسب برای حمل پسماندهای بیمارستانی در گلستان وجود ندارد

معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری گلستان گفت: تجهیزات مناسب برای حمل پسماندهای بیمارستانی در گلستان وجود ندارد. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی سازمان مدیریت پسماند گلستان، میرمحمد غراوی در جلسه کارگروه مدیریت پسماند، اظهار کرد: سازمان مدیریت پسماند که تمامی سهام آن متعلق به شهردارها است با سیاست کاهش تولید، بازیافت اصولی و دفع بهینه پسماندها توسط وزارت کشور تاسیس شد و به صورت یکپارچه برای تمامی شهرهای استان با رویکرد احداث دو کارخانه غرب و شرق و در حال حاضر با هدف بازیافت و پردازش و تبدیل پسماند آلی به کمپوست فعالیت می کند.وی در ادامه در خصوص استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی در زمینه حمل پسماندهای بیمارستانی گفت: استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی در این زمینه موجب کاهش هزینه های بخش درمانی می شود. غراوی با اشاره به نبود تجهیزات مناسب برای حمل پسماندهای بیمارستانی که می تواند خطراتی را برای سلامت جامعه در برداشته باشد، افزود: مرکز بهداشت استان باید با ارائه برنامه های جامع درخصوص حمل پسماندهای بیمارستانی خطرات این نوع پسماندها را برای سلامت جامعه را کاهش دهد.وی خاطرنشان کرد: با توجه به مستهلک شدن ماشین آلات مراکز دفن، این سازمان در حال نوسازی کامل ناوگان موتوری خود است و با توجه به گسترش وسعت مراکز دفن در دو سایت استان و کاهش عمر مفید ماشین آلات سنگین این تعداد ماشین آلات سنگین کافی نیست و سازمان نیازمند به خرید دستگاه های مدرن و به‌روز جهت ارائه خدمات بهتر است.

جرائم کارکنان انتظامی گلستان ۵۶ درصد کاهش یافته است

فرمانده انتظامی گلستان گفت: جرائم کارکنان انتظامی گلستان در چهارماهه نخست امسال ۵۶ درصد کاهش یافته است. به گزارش مهر به نقل از پایگاه خبری پلیس سردار علی‌اکبر جاویدان اظهار کرد: سلامت و صیانت سازمانی از جمله موضوعات بسیار مهمی است که با هدف پیشگیری از تهدیدات و آسیب‌های پیش‌روی کارکنان در دستور کار فرماندهان و مسئولان انتظامی قرار دارد. وی خودکنترلی و ارتقاء سطح آموزش و آگاهی های کارکنان را از جمله بهترین راهکارهای صیانت از این قشر عنوان کرد و افزود: صیانت از کارکنان به عنوان سرمایه اجتماعی، مصداق جهاد در راه خدا است.این مقام ارشد انتظامی، آموزش را اساس صیانت و پیشگیری از آسیب‌های کارکنان برشمرد و ادامه داد: پلیس همواره باید با درک عمیق از ماموریت‌ها، در بستر حفظ حقوق شهروندی، خدمتگزاری شایسته برای مردم باشد و از انتقادات و پیشنهادات سازنده در راستای تحقق اهداف و ماموریت‌های خود استفاده کند. سردار جاویدان اضافه کرد: سلامت اداری و صیانت کارکنان، دو مولفه بسیار مهم در این راستا است و باید بیشترین نظارت و کنترل در این حوزه انجام گیرد.فرمانده انتظامی گلستان تصریح کرد: در راستای سلامت اداری و پیشگیری از وقوع جرایم در نیروی انتظامی، اقدامات بسیار مطلوبی صورت گرفته است.وی خاطرنشان کرد: نیروی انسانی، سرمایه اساسی و مهم در ناجاست و به همین منظور باید نسبت به حفظ این نیرو با نظارت و آموزش مستمر تلاش کرد. جاویدان بیان کرد: توجه به اصل معنویت در بین کارکنان، یکی از اصولی است که هرچه بیشتر به آن توجه و پرداخته شود، شاهد افزایش سطح عملکرد و بهبود فعالیت‌های نیروی انتظامی در ماموریت‌ها خواهیم بود.وی گفت: با نظارت مستمر فرماندهان و مسئولان در هر بخش بر اجرای برنامه‌های ابلاغی، می‌توان سطح سلامت اداری را افزایش داد تا شاهد کمترین خلل و خطا در عملکرد کارکنان باشیم.این مقام ارشد انتظامی، حفظ و صیانت از کارکنان را مستلزم حرکت جهادی و آموزش و نظارت مستمر و هدفمند دانست و تاکید کرد: با نظارت‌های کیفی صورت گرفته و آموزش های مستمر فرماندهان و مسئولان انتظامی، میزان جرایم در بین کارکنان انتظامی استان ۵۶ درصد کاهش داشته است. جاویدان عنوان کرد: هرگاه سطحی مطلوب از آموزش و ساختار منسجم آموزشی در سازمانی وجود داشت، قطعا می توان تغییرات ساختاری و کیفی سازمان را به صورت مثبت و صعودی و در مسیر تحقق اهداف مورد نظر مشاهده کرد.

فوتبال، سینما و سر آغازی مشترک

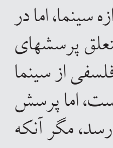

سید مهدی ناظمی قره باغ– نه به اندازه سینما، اما در حد خود، فوتبال هم مهم است و متعلق پرسشهای فلسفی هم قرار گرفته است. پرسش فلسفی از سینما و فیلم فلسفی امروز دیگر نابهنگام نیست، اما پرسش از فوتبال همچنان عجیب به نظر می رسد، مگر آنکه از قبل در مقابل فوتبال دچار حیرت شده باشیم.

فوتبال فقط انسانها را به هیجان درنمی آورد بلکه حداقل برخی از انسانها در برابر فوتبال حیرت می کنند که می تواند سرآغاز تأمل درباره این پدیده شگفت دنیای مدرن باشد. اما آیا احتمال دارد در یک پرسش فلسفیبین سینما و فوتبال، سرآغاز مشترکی منکشف گردد؟اگر سرآغاز ورزش مدرن را به استادیوم یونانی محل بازیهای المپیک نسبت دهیم و سرآغاز سینما را در نمایشهای تراژیک یا کمدی همین قوم بدانیم، یعنی این که از هر دو جهت به یک اتفاق فرهنگی نسبتاً مشترک رسیده ایم. نمایشهای یونانی، بخشی مهم از آیین های مذهبی یونان بودند که در آنها واقعه مقدسی به صورت یک روایت دراماتیک طرح می شد. نمایشها فاصله کمی با اسطوره ها داشتند، چرا که اصلاً آنها بیان و تفسیری از اسطوره ها بودند. در این نمایشها، کم کم، چگونه به نمایش در آمدن و نیز چیستی خود نمایش تبدیل به مسأله شد. مسأله ای که بطور طبیعی بارزترین بیانگر آن را ارسطو در کتاب شعر می دانیم. ماجرای نمایش در دوره رومی ادامه یافت. با این تفاوت بزرگ که نمایش بیش از این قرار نبود بیانگر یک ماجرای قدسی و برجسته تاریخی باشد، بلکه پیش از آن، باید بهانه ای باشد برای به تصویر کشیدن شکوه و قدرت رومیان یا گاهی رفع کسالت و روزمرگی از دنیای یونانی مآب. سرنوشتی که درام، از مرحله به حرکت و پیش چشم آوردن ماجراهای اسطوره ای تا مرحله رفع ملال و خستگی و پیش چشم آوردن قدرت و شکوه طی کرد، کمابیش همان سرنوشتی است که برای بازیهای المپیک رخ داد. بازی های المپیک که هر چهار سال یکبار در المپیا برگزار می شد، یک مراسم مذهبی در یک مکان مذهبی بود. یونانی ها برای این بازی ها، باز هم به ماجراهای اسطوره ای استناد می کردند. بنابراین شاید تنها چیزی که در بازی های المپیک یونانی نبود، سرگرمی –به معنای امروزی کلمه– باشد. همچنان که نمایش اسطوره ها،ابتدا به دلیل اینکه اصلاً یک آیین مذهبی بود،تفکیک زیادی بین تماشاگران و بازیگران نداشت و این تفکیک به تدریج ایجاد شد، در بازی ها نیز به مرور و با حرفه ای تر شدن بود که بین مشارکت کنندگان صرفاً بیننده و مشارکت کنندگان بازیکن، فاصله ایجاد شد. همچنان که درام در دوره رومی از رونق افتاد و به ویژه روح فرهنگی خود را از دست داد، بازی های المپیک نیز اهمیت خود را از دست داد و حتی بنابر دستور امپراتوران روم، ممنوع شد. بازیها دیگری بازیهایی در پیش چشم خدایان المپیا نبودند، بلکه بازی های رومی، بازی های عظیم و پرجمعیت و پر زرق و برقی در پیش روی بزرگان امپراتوری بودند. این بازیها مقصدی نداشتند جز اثبات قدرت امپراتوری و به جشن درآوردن این شکوه و قدرت در پیش چشم مردمان. بنابراین و قبل از این که بخواهیم به تفاوتها بپردازیم باید در نیای مشترک بازیها که امروز فوتبال پرآوازه ترین وارث آنهاست و هنرهای نمایشی که امروز سینما برجسته ترین میراث دار آن است، از دو چیز پرسش کنیم:نخست؛ نقش اسطوره یا شعر در شکل دهی تفسیر انسان از بازی ورزشی یا بازی نمایشی: هردوی این بازی ها با اتکا به یک درونمایه شاعرانه آغاز شدند. ماجرایی شاعرانه به انسان یونانی این امکان را داده بود که در آیینی، ماجراهای خدایان را به نمایش بگذارد و در آیین دیگری آمادگی خود را برای مشارکت در ماجراها به نمایش بگذارد. این درونمایه اسطوره ای در عصر رومی تغییر کرد و به همین خاطر، هم بازی های نمایشی و هم بازی های ورزشی در این دوران تغییر کرد. همین تغییرات بود که هنر مدرن و ورزش مدرن را نیز در آینده معنادار و ممکن ساخت. دوم؛ هم بازی های نمایشی و هم بازی های ورزشی، با تمایزی در فرهنگ انسان ایجاد شدند که می توان نام آن را به بصری شدن تفکر گذاشت. ماجرای خدایان در برخی فرهنگها تمثلهای مجسم پیدا می کرد. به این تمثلها، بت می گویند. بت ها و دیگر اجسامی که به صورت تمثیلی ماجراهایی را بیان می کردند، در آیین های مذهبی مردمان بکار می آمدند. اما به نمایش درآمدن این ماجراها، یعنی بکارگیری حرکتهای نمادین بازیگران و روایت راوی و موسیقی و... اتفاق ممتاز خاص یونان بود. همین اتفاق بود که تراژدی و کمدی را ممکن کرد و ادامه همین اتفاق بود که هنرهای نمایشی را تا عصر مدرن افتان و خیزان حفظ و در این عصر متحول کرد. تفکر بصری تنها در هنر بسط نیافت، بلکه در فعالیتهای ورزشی نیز بسط یافت. به دلایلی که باید در مجال بهتری بررسی کرد، همچنان که در هنر، در بازی های ورزشی روم نیز دست بر قضا وجهه بصری تری از دوره یونانی وجود دارد. بخاطر همین بصری-اندیشی بود که فاصله تماشاگر از بازیکن باز هم بیشتر شد. تا جایی که بازیکن در راه شکوه و قدرت ایشان جان خود را نیز فدا می کند. پس تفکر بصری و بطن شاعرانه-اسطوره ای، دو پایه اصلی برای ممکن شدن واقعه هایی باستانی هستند که امروز ورزش مدرن و هنر نمایشی مدرن را ممکن کرده است. سینما چنان که گفته شد، بزرگترین وارث هنر مدرن یا حداقل هنر نمایشی مدرن در دوره معاصر است و فوتبال پرتوفیق ترین ورزش مدرن در بین همه رقیبان خود. بی هیچ شک و تردیدی این تمهیدات نه ماجرای فوتبال را روشن کرده است و نه ارتباط فوتبال و سینما را بیان. اما شاید توجه به تفاوتی بین این دو پدیده، تا حدی بتواند پرسشی برای روشنگران آینده ایجاد کند. هر چند هم سینما و هم فوتبال در پی تفکر بصری و نیای یونانی و رومی خود آمده اند، اما بازی ورزشی استعداد کمتری برای بصری شدن دارد تا هنرهای نمایشی. هنر نمایشی –چنان که در سینما می بینیم– هیچ اساسی مهمتر از تفکر بصری ندارد. اما بازی ورزشی متکی بر خودسازی و مشارکت در این خودسازی است. به همین خاطر حتی امروز هم که امروز است، ورزش مدرن و به ویژه فوتبال که در اوج وابستگی رسانه ای خود قرار دارد، بدون روایت یک ماجرای واقعی ارزش ندارد و این ماجرا، هر چقدر واقعی تر باشد و بیشتر متکی بر یک سنت مشخص، بیشتر انسان را درگیر خود می سازد. در مقابل، سینما در همان اساس خود با واقعیت فاصله دارد. سینما مرکب خیالی دارد و به همین خاطر تکنیکی بودن و خیال ورزانه بودن آن «چه بسا» باعث قدرت و غنای بیشتر آن هم بشود. ماجرای ورزشی ولی، اگر صرفاً متکی بر تکنیک شود و بدون تماشاگری که «از نزدیک» آن را مشاهده و تشجیع کند، نمی تواند ماجرای ورزشی باشد و به خاطر همین پای در واقعیت داشتن است که می توان گفت که ماجرای ورزشی یکی از بن مایه های مهم تداوم فرهنگ بصری مغرب زمین است.

شیزوفرنی، درست همانطور که گفته بود

خوانش شیزوئیک مرشد و مارگاریتا

فاطمه دلاوری پاریزی

«شیزوفرنی درست همانطور که گفته بود»، عنوان فصل ششم کتاب مرشد و مارگاریتا است. اما چرا باید بگوید شیزوفرنی؟ و اصلا او کیست که گفت شیزوفرنی؟ و اصلا شیزوفرنی چیست؟ بگذارید از قبل‌ترش بگویم.یعنی بعدترش. وقتی که همه سرها از در و پنجره خانه‌ها بیرون آمده و همه از «رویداد» سخن می‌گویند. از اتفاقی که به تازگی افتاده و هرچند باورنکردنی است اما، «رخ»داده‌است. رخدادی که شاید همگان از آن سخن بگویند اما تنها کسانی آنرا باور می‌کنند که با رخداد هم آغوش شده‌اند و خود آن را لمس کرده‌اند. اما این هم‌آغوشی از آن جا که در شب بدر کامل رخداده است آنان را به جنون مبتلا کرده است. البته این جنون، با تغییر ساختار عصبی مغز فرق می‌کند. این جنون یک امر بیولوژیک نیست. یک ابتلای سیاسی اجتماعی است. این جنون، مبتلایان را چون ایوان با یک زیرشلواری پیچازی یک بلوز پاره روسی، یک شمع و یک تمثال مسیح و البته پابرهنه در خیابان‌های مسکو روانه می‌کند. او بیقرار است و فریاد می‌زند و از همکارانش در ساختمان گریبایدوف که کلوبی مخصوصا شاعران و نویسندگان است میخواهد که مجرم را دستگیر کنند. اما کسی او را باور نمی‌کند. ایوان از کشته‌شدن همکارش برلیوز آشفته است و آن را قتلی از پیش برنامه‌ریزی شده می‌داند. همه از حادثه کشته شدن برلیوز با خبرند. اما آن را اتفاقی میبینند. مردم در ابتدا می‌خواهندایوان را روانه تخت‌خواب و منزل کنند تا استراحت کند و آرامش بیابد و مثل دیگران، این ماجرا را اتفاقی بداند و نه قتل. اما پافشاری او بیش از اندازه است تا جائی که چند نفری را هم کتک می‌زند. آه انگار شبیه همه مجانین شد. اما نه، همه کارهای او قابل توضیحند. او واقعا پروفسوری خارجی را در روزهای حکومت استالین در مسکو دیده که تصادف برلیوز با قطار را پیشگوئی کرده‌است. پروفسوری که نه این قتل که خیلی چیزها را می‌داند و حتی با کانت صبحانه خورده و با پیلاطس، حاکم یهودا که مسیح را به صلیب کشیده هم‌سخن بوده است. ایوان این‌ها را دیده بود اما جامعه آن‌ها را توهم می‌خواند. چرا توهم؟ چون جامعه، دیرتر از ایوان، شاعر بیچاره، این پروفسور خارجی و دستیاران و کارهای عجیب و غریبش را دید. آن‌ها ایوان را باور نمی‌کنند. او را مثل آدم‌های مومیایی نوار پیچ شده به تیمارستان می‌برند. البته حق دارند. او چیزی دیده که بقیه ندیده‌اند. و چطور چیزی را که ندیده‌اند باور کنند؟ آن پروفسور خارجی حتی این لحظه را هم پیش‌بینی کرده بود. او همان‌کسی بود که گفته بود شیزوفرنی. و کاملا درست گفته بود.آن شبی که ماه کامل بود و ایوان و برلیوز و پروفسور از هر دری، سخن می‌گفتند:ایوان: «پروفسور! شما هرگز یک بیمارستان روانی بودید؟»

پروفسور:«بله بودم، خیلی جاها بودم اما اینقدر نماندم که معنی شیزوفرنی را بفهمم. اما شما جناب ایوان، خود، معنی آن را از پروفسور بیمارستان روانی یاد خواهید گرفت.»

و حالا او در بیمارستان روانی است و ریوخین شاعر، شرح احوال پریشان او را برای پزشک کلینیک بازگو می‌کند. از آن‌جاکه ایوان اصرار دارد، پروفسور، قاتل برلیوز است چون قتلش را پیشگوئی کرده، ریوخین از ایوان پرسید: «هلش داد؟» -«این حرف‌ها یعنی چه؟» ایوان که از ناتوانی شنونده در درک اوضاع عصبانی شده بود با تعجب گفت:«لازم نبود هلش بدهد، از او کارهایی بر می‌آید که باورکردنی نیست. او از پیش می‌دانست که برلیوز می‌افتد زیر قطار»

دکتر: آیا غیر از شما هم کسی پروفسور را دیده؟»

ایوان: «خیر، گرفتاری همین است فقط من و برلیوز او را دیده‌ایم.» او در جایی که الحاد، امری رسمی است با خجالت اشاره می‌کند که با تمثال مسیح به دنبال پروفسور رفته چون می‌داند این نیروهای شیطانی بیش از همه از قدیسین می‌ترسند. و حالا دکتر رمق بریده به ریوخین نگاهی می‌کند و با لحنی خسته تشخیص خود را اعلام می‌دارد:«تحریک بیش از حد اعصاب حرکتی و مراکز زبان، توهمات...بی‌تردید مسئله پیچیده‌ایست، فکر می کنم شیزوفرنی است، البته کمی هم الکلیسم.»

ژیل دلوز، فیلسوف معاصر فرانسوی، از شیزوفرنی به عنوان محصول جامعه سرمایه‌داری نام می‌برد. می‌توان از او الهام گرفت و شیزوفرن شدن را محصول هر جامعه ایدئولوژی‌زده‌ای دانست که «خود» انسان‌ها را نادیده می‌گیرد. شیزوفرن شدن، در درجه اول محصول نادیده گرفته شدن و شنیده نشدن، توسط جامعه است. شیزوفرنی، چندپارگی ذهن است که به دلیل ستیز تصور و اندیشه خود، با جامعه به وجود می‌آید و جامعه، محصول اندیشه و خیال فرد را نمی‌پذیرد و او را به توهم، متهم می‌کند، حال آن‌که فرد را خبری رسیده است که جامعه هنوز آن را درک نکرده است. فرد شیزو بر خلاف دیگران به امر فراخود که قصد دارد خود را نادیده بگیرد و سرکوب کند تن نمی‌دهد. این میل شیزویی، فرد شیزوفرن را روانه آسایشگاه روانی می‌کند. مکانی که در نبود کلیسا، محلی برای اقرار و اعتراف و آرامش و در نهایت جامعه‌پذیری و برگشت به اجتماع است. کلیسا، گناهکار را به توبه فرا می‌خواند و او را به اعتراف می‌کشاند و پدر مقدس او را می‌بخشد و او را به میان امت مؤمن باز می‌گرداند. در آسایشگاه روانی نیز، پزشکی که حکم کشیش در دنیای ملحدانه را دارد، با شنیدن وصف حال و شرح حال بیمار و اقرار او به دیده‌ها و شنیده‌ها، او را درمان می‌کند تا دیگر بر خلاف هنجارهای جامعه نبیند و نشنوند و به میان مردمان ظاهرا سالم برگردد. میل شیزویی در بیان دلوز، بر خلاف میل پارانوئی محصول ترس و سرکوب نیست. بلکه میلی است اصیل، طبیعی، هنجارشکن، انقلابی و ضد اجتماعی. امیال از آنجا که توسط جامعه واپسزده می شوند وجهی از قدرت محسوب می‌شوند وخصلتی سیاسی پیدا می‌کنند. شیزوفرنی، یک بیماری بیولوژیک یا نورولوژیک نیست، بلکه امکانی است که شرایط روانی معطوف به رهایی‌بخشی را فراهم می‌کند.

حال باید پرسید این فرد شیزو است که باید درمان شود یا جامعه است که باید شیزوفرن را به رسمیت بشناسد و حرف او را بشنود و جدی بگیرد و پیگیری کند؟ آیا شیزوفرن به توبه و مداوا نیازمند است یا جامعه به توبه‌ای دسته‌جمعی برای به رسمیت‌شناختن و جدی‌گرفتن شیزوفرن؟ «مرشد و مارگاریتا» دعوتی است از جامعه برای شنیدن فردی که حرفی می‌زند خلاف جریان. برای شنیدن حرفی که «حاکی از خبری است»، خبری که تنها به شیزوفرن رسیده است و دیر یا زود خبر به کل جامعه خواهد رسید. اماچه فایده ایست باور را، زمانی‌که فاجعه همگانی شده و جنایت رخ داده است.

ایوان در دورانی که تحت درمان است، می‌فهمد که شاعر بدی است. با خود عهد می‌کند شاعری را رها کند. حالا همه‌ساله، با فرارسیدن ماه بدر بهاره، مردی حدودا سی‌ساله، شاید هم کمی بیشتر، دیده می‌شود که به طرف درختان زیزفون پاتریارک قدم می‌زند، مردی است سرخ‌ریش و سبزچشم، با لباس‌هایی مرتب، او پروفسور ایوان نیکالوئیچ پونیریف از انستیتوی تاریخ و فلسفه است. او فکر می‌کند که روزگاری توسط استادی حقه باز هیپنوتیزم شده و به بیمارستان روانی رفته و حالش خوب شده است. او حالا در آن شب بخصوص که یادآور شبی بود که با برلیوز و پروفسور گفتگو می‌کردند، به دیدار ماه می‌رود و خود را قربانی ماه کامل بهاره می‌داند. او را خبری رسید که جامعه از او خواست باور نکند و او... باور نکرد اما هنوز در اعماق ناخودآگاهش، خبر، او را صدا می‌زند. و همین است که هرچند شاعری را رها کرده اما عشقِ رهایی‌بخش با چاشنی فلسفه او را در جستجوی «خبر» نگاه داشته است. عشق همسرش ،که او را با تزریقی آرام می‌کند و با بوسه‌ای بر پیشانی‌اش همه چیز را آن‌طور می‌کند که باید باشد. ماه دیوانه می‌شود، نورش را بر ایوان می‌پاشد اما ایوان به خوابی آسوده فرو می‌رود و اساسا جامعه از او این را می‌خواهد: «خوابی آسوده»

منبع : الفیا

بیان و برهان

حاحد روشنی راد

«فلسفهٔ سرد! فلسفه باید سرد باشد!» اگر صفت «سرد» در این گزاره بمعنای سخن «برهانی محض» و خالی از کوبندگی و بیانِ رتوریک باشد (بر خلاف سخن «گرم» که سخنیست برخاسته از انفعالات نفسانی و هیجاناتِ کور) آنگاه جملهٔ «فلسفه باید سرد باشد!» خود از گرمترین سخنان است. زیرا از طرفی ناشی از عدم ورزیدگی در صناعات منطق است و از طرفی سخنی برخاسته از انفعالات و هیجانات کور شیفتگی و رعب ناشی از مواجهه با ساختِ آهنین و مستحکم آثاری مانند «برهان شفا» یا «نقد اول کانت» یا «مفهوم نگاشت فرگه» و مانند آن. زبان بشری دارای دو لایه است: لایهٔ بیانی و لایهٔ برهانی. این تمایز نخستین بار در منطق ارسطو و در کتاب «دربارهٔ عبارت» ظاهر شد. ارسطو لایهٔ نخست را «هرمنوتیکوس» مینامد و لایهٔ دوم را «آپوفانتیکوس». صناعت برهان و دیالکتیک به تحلیل لایهٔ برهانی زبان میپردازند (آنچه ما اخباریات مینامیم) و صناعتِ خطابه و شعر به تحلیل لایهٔ بیانی زبان (یعنی انشائیات). از همین روست که ناآشنایان با کلیت ساختاری منطق ارسطو میگویند: ارسطو نخستین بنیانگذار «فلسفهٔ سرد» است. یعنی فلسفه برای او «صرف البرهان» و کلام تهی از قدرت بیانی و رتوریک است. این باور ناشی از رخدادِ «خلط ساحت ایزوتریک و اگزوتریک» است. به این بازمیگردم. این سخنِ مدرس طهرانی که مدام در «رسالهٔ حملیه» تکرار میشود حقیقتا شگفت و دقیق است: «نور برهان در افق بیان ساطع میشود». یعنی سخن حکمی آنگاه که در ساحتِ اگزوتریک تودهٔ مردم را مخاطب قرار میدهد، باید بتواند با بیان پوئتیک و رتوریک کوبنده و فراخوانندهٔ خود، نخست انفعالات و هیجاناتِ مشخصی را با ضرباهنگ معین در مخاطب برانگیزد سپس در این «افق بلاغی» برهانِ خویش را منعقد کند. نور برهان تنها در چنین ساحتی پدیدار و ساطع میشود. این نوع سخنِ ناشی از وحدتِ هارمونیک بیان و برهان را ابن سینا «القول الحق» مینامد؛ که برخلاف «قولِ صادق» (سخنی که صرفا دارای «شرط صدق» یعنی مطابقت با نفس الامر است) دارای امتیاز اعجاب آور و مرموز دیگریست به نام «قدرت اقناع». (منطقیات ارسطو نیازمند خوانش هزارباره است و منطقیات سینوی نیازمند خوانشی بیشتر از این) شکافِ میان «بیان-برهان» متناظر است با شکاف متافیزیکیِ «ماده-ایده»؛ و در تاریخ شگفت‌ترین نتیجه‌ای که بار آورده این است: «سوبژکتیویسم جماعتِ فیلسوفان». ساحت برهان بالذات ایزوتریک و در-خود-ماندگار است. (به همین دلیل رسالات منطقی ارسطو حتی هنگام تحلیل خطابه و شعر ساختار برهانی دارند؛ زیرا این رسالات اساسا برای «درون آکادمی» نوشته شده و کلا قرار نبوده به خارج درز کنند. وگرنه رسالات اگزوتریک خود ارسطو که برای مردم نوشته شده مانند محاورات افلاطون ساخت و بیان رتوریک دارند). شکاف «بیان-برهان» بنیانِ فلسفیِ شکافِ «اگزوتریسم- ایزوتریسم» است، و این شکافیست که به باورِ من بنیادیترین و اساسیترین مسئلهٔ فلسفهٔ امروز است؛ شکافی که میان «جماعتِ فیلسوفان» با «تودهٔ مردم» شکل گرفته است و از طرفی حکمت را یکسره بدل به ساحتی «ایزوتریک و سوبژکتیو و ایدئال» کرده است (چیزی شبیه به عالم مثل افلاطون) و از طرف دیگر توده مردم را تبدیل به «همج الرعاع» یعنی تودهٔ بی‌شکلی که با حرکات کور و کاتوره‌ای به راحتی به هر طرفی که فراخوانده شود هجوم می‌آورد. (بسنجید با عالم خائوس). قطع اتصال میان «ملت و حکمت» یعنی نابودیِ «افق متکسیس» چیزیست که من «اختلال در جریان تنزیل» مینامم. در این جریان بیان و قدرت رتوریک از حکمت گرفته شده و به حکومتها و رسانه ها و در بهترین حالت به خطیب-شاعرانی مانند مارکسیستها و امثال نیچه واگذار شده که گرچه از فقر تفکر برهانی رنج میبرند، اما بدلیل برخورداری از «بیان» و «رتوریک» براحتی در شوراندن و شکل دهی بحرکات توده موفق بوده اند. حکمت آنگونه که در جهان باستان در زبان پارمنیدس و افلاطون توانایی مزج بیان و برهان و افکندن «قول الحق» به میان ملتها را داشت در جهان امروز دیگر توانایی فراخوان ندارد، زیرا اساسا به «بیان» دسترسی ندارد. این‌را همیشه گفته و بدان معتقدم: بعد از هگل مسئلهٔ فلسفه این نیست که «حقیقت چیست؟» بلکه این است که «چگونه باید به حقیقت فراخواند؟». پرسش امروز نه «پرسش از حق» بلکه از «القول الحق» است. حکمت برای نجات و به قصد تحقق خود باید بتواند «فراخوان دهد» نه بدین دلیل که خود را به هدایت توده متعهد میداند، بلکه به این دلیل که اساسا حقیقت در همین فراخوان و پایدیا «تقویم و منکشف» میشود. حکمت تنها به یک چیز متعهد است: حقیقت و برهان! اما «نور برهان تنهادر افق بیان ساطع میشود»

خام فروشی

احسان پروین

به کرّات حلقه‌های مطالعه‌ایی دیدم که بیشتر شبیه اردوهای مفرح بوده‌اند. حلقه‌هایی با موضوعات مختلف و جذاب. فلسفه‌هنر، بهره‌گیری از هوش اجتماعی، تربیت‌فرزندان خلّاق و ... که کارایی خاصی را به همراه نداشته‌اند و ندارند. پیش از اینکه بخواهم ادامه بدهم، باید متذکر شوم که روی سخنِ این متن باضعف‌های مزمن چنین حلقه‌ها و هم‌اندیشی‌هایی است. وجه تشابه عجیبی میانِ حرف‌هایی که در این گونه حلقه‌ها زده می‌شود با کالاهای عموما بی کیفیتی که دوروبرمان را پر کرده‌اند می‌بینیم. کالاهایی که جدا از ایرانی یا خارجی بودنشان، کیفیت مناسبی ندارند. نبود مواد اولیه‌ی مناسب، عدم بهره گیری یا فقدان تکنولوژی مناسب جهت پردازش کالا و ایجاد ارزش افزوده، توجه نکردن به مخاطبانِ کالا و عدم هرگونه تحقیق و پژوهشی در این حوزه و بسیاری موارد دیگر می توانند از علل کیفیت کم کالاها باشند. چنین مواردی را بشخصه در حلقه‌های معدودی که در آنها حاضر شده‌ام لمس کرده‌ام، ولو برای یک یا چند جلسه. عموما افراد به دلیل توجه نکردن به مسائل شان در یک سیکلِ معیوب قرار می گیرند. چراکه اولین گام در تولید محتوای باکیفیت، فهم مسائلمان است. تا وقتی فرد مسائلش را درک نکند، نمی‌تواند موضوعات مناسبی را برای شرکت در حلقه‌ها تشخیص دهد. بدین ترتیب کسی که دغدغه‌ی «پورشه» دارد، سر از حلقه‌های عرفانی در می‌آورد! نکته‌ی بعدی که تنیده به گام پیشین است، درگیر شدن با موضوع هم‌اندیشی و انرژیِ لازم جهت «پیگیری» مسئله است. تنها در این صورت است که جلسه و گفتگو، پس از اتمام آن چند ساعت، تا مدتها در ذهن و ضمیر فرد ادامه می یابد؛ فرد را به مطالعه و تحقیق هُل خواهد داد و او را ولو برای یک مسئله و یک حوزه‌ی خاص، آگاه‌تر خواهد کرد. در این میان، مهارتِ گوش دادن نیز در میان ما به شدت افول کرده است و به ایجادِ چنین وضعیتی در کیفیت هم‌اندیشی‌ها کمک کرده است. ما نمی توانیم به دیگران به خوبی گوش دهیم. هر سه نقطه ضعفی که به آنها اشاره کردم را می توان در یک مثال خلاصه کرد. من و دوستم، نیما، دو ساعت با یکدیگر بر سر یک موضوع بر سر یکدیگر کوبیدیم. در این ۱۲۰ دقیقه‌ایی که انرژی صرف کردیم، دریغ از ۵ دقیقه که به چرایی و نحوه‌ی طرح این موضوع صرف کرده باشیم. یا مصلا در یک جلسه‌ی پرسش و پاسخ، تنها مدت بسیار کوتاهی صرفِ تحلیل و پردازش سوال می‌شود و مابقی وقت، بدون هیچ تکلّفی به پاسخ دادن اختصاص می‌یابد. چنین مثالهایی به ما نشان می‌دهند که ما زمین بازی را تشخیص نداده‌ایم. گویی که در آفساید گیر کرده باشیم!

برای اینکه سخنان‌مادر جلسات هم‌اندیشی و حلقه‌های مطالعه به هنگام خروج از دهانمان، شبیه خام فروشیِ چندین ساله‌ی نفتمان نباشد، که نشانی از پردازش داشته باشد، باید در این نکته تأمل کنیم که «چه شده است که می‌خواهم در چنین جمعی شرکت‌کنم؟»

در دست ترجمه

مد و فلسفه

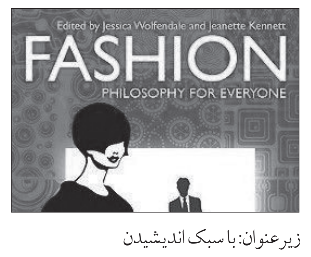

زیرعنوان: با سبک اندیشیدن
از سری «فلسفه برای همه»
مترجم: ریحانه صارمی
ناشر احتمالی: نگارستان اندیشه
وضعیت: در دست ترجمه

توضیح: این کتاب تلاش دارد تا در قالب مقالاتی ابعاد گوناگون فلسفی-اجتماعی مد را به زبانی ساده مورد بررسی قرار دهد. این اثر با بحث در خصوص ماهیت مد و چگونگی «مد شدن» چیزها آغاز می‌کند و تلاش می‌کند در خلال بحث‌های گوناگونی مرز میان مد و مفاهیم مرتبطی چون سبک، طراحی و زیبایی را مشخص کند. در ادامه به وجوه اجتماعی مد و کارکردی که مد در جامعهٔ امروز ایفا می‌کند می‌پردازد و در انتها مباحثی در خصوص امکان آزادی‌بخشی و همچنین اخلاقی بودن مد مطرح می‌کند. در سرتاسر کتاب تلاش شده تا با استفاده از مثال‌های روزمره و ملموس بحث‌ها «برای همه» قابل استفاده باشد. کتاب در ۴ بخش و ۱۳ مقاله تدوین شده که عناوین بخش‌های اصلی عبارت است از:

بخش اول: مدگرا بودن و باحال بودن
بخش دوم: مد، سبک و طراحی
بخش سوم: مد، هویت و آزادی
بخش چهارم: آیا میتوانیم هم اخلاقی باشیم هم مدگرا؟

پدربودن و فلسفه

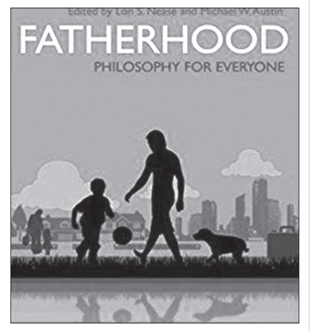

زیرعنوان: طریقت بابا
از سری «فلسفه برای همه»
مترجم: محمد شکری
ناشر احتمالی: نگارستان اندیشه
وضعیت ترجمه: در دست ترجمه

توضیح: مجموعه ۱۷ مقاله در چهار بخش که به تاملاتی فلسفی و انسان‌شناسانه دربارهٔ وضعیت پدربودن و تأثیرات آن بر زندگی پدرها و فرزندان اختصاص دارد. ۴ بخش اصلی به شرح زیر است:

بخش اول: تاثیر پدر بودن
بخش دوم: اخلاق و سبک‌های پدر-مادری کردن
بخش سوم: خودت باش: پدربودن اصیل
بخش چهارم: دوراهی‌هایی پیش پای پدران

مادربودن و فلسفه

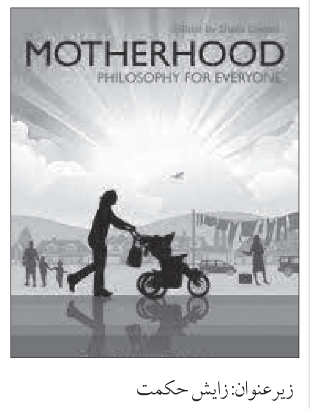

زیرعنوان: زایش حکمت
از سری «فلسفه برای همه»
مترجم: ستاره عزت‌آبادی
ناشر احتمالی: نگارستان اندیشه
وضعیت ترجمه: در دست ترجمه

توضیح: کتاب شامل مجموعه مقالاتی است که جنبه‌های متفاوت مادری کردن و مسائل انضمامی مرتبط با آن را به زبانی ساده و جذاب مورد تامل فلسفی قرار داده است. مقالات این کتاب در چهار دسته کلی طبقه بندی شده اند:

بخش اول: مغز مامان: حقیقت، دانش و باور در مادری کردن
بخش دوم: درد زایمان: شغل و شکوه مادر بودن
بخش سوم: اخلاقیات مادر: مسائلی اخلاقی در مادری کردن
بخش چهارم: آیا مادری همان چیزی است که فکرش را میکردید؟ خیال با واقعیت مواجه می‌شود